

دانش‌آموزان دیرآموز: ارزیابی پویا، ویژگی‌ها، شناسایی، شیوه‌های تدریس و بهبود ظرفیت یادگیری

محسن غفوریان / عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

محمد عاشوری^۱ / استادیار، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان اصفهان، ایران

چکیده

هدف این مقاله آن است تا از طریق شیوه‌های مناسب یاددهی و یادگیری مناسب و هدفمند به معلمان کمک کند تا فرایند یادگیری دانش‌آموزان دیرآموز را تسهیل کنند و ظرفیت یادگیری آن‌ها ارتقاء بخشند. دانش‌آموز دیرآموز کسی است که توانایی یادگیری مهارت‌های تحصیلی ضروری را دارد ولی میزان و عمق یادگیری وی نسبت به متوسط همسالانشان کمتر است. یکی از مشکلات بزرگی که معلمان با آن مواجه هستند، نحوه تعامل با دانش‌آموزان دیرآموز است. این موضوع که معلمان از عهده‌ی آموزش به دانش‌آموزان دیرآموز برآیند و بتوانند مطالب درسی را به آن‌ها آموزش دهند، تکلیفی چالش‌برانگیز است. معلمان با صبر و حوصله و نیز شناخت ویژگی‌های این دانش‌آموزان می‌توانند به آنان کمک کنند تا بهتر از عهده‌ی تکالیف درسی خود در منزل و مدرسه برآیند. متأسفانه برخی معلمان جهت دست‌یابی به اهداف آموزشی، متوسل به تنبیه و روش‌های نامطلوب دیگری می‌شوند. آن‌ها تصور بر این است که دانش‌آموزان دیرآموز، دانش‌آموزان ضعیفی هستند و باید به اجبار به مدرسه فرستاده شوند اما این راه حل مناسبی نیست. یکی از پیامدهای این اقدام، هموار کردن مسیر برای اخراج دانش‌آموز از مدرسه و ایجاد نقطه‌ای تاریک در زندگی وی به عنوان یک دانش‌آموز قربانی است. اگر معلمان فرصت مناسب مطالعه و تفکر در زمینه‌ی فعالیت با این دانش‌آموزان را بیابند به راه حل مناسبی می‌رسند و از عهده آموزش و پرورش آن‌ها برخواهند آمد. در این مقاله علاوه بر معرفی دانش‌آموزان دیرآموز و ویژگی‌های آن‌ها، به ارزیابی پویا، روش شناسایی دانش‌آموزان دیرآموز در کلاس درس، شیوه‌های تدریس برای کمک به دانش‌آموزان دیرآموز، الگوهای چندمنظوره موفقیت‌آمیز برای هم‌تدریسی در کلاس درس و ۳۰ راهکار برای بهبود ظرفیت یادگیری دانش‌آموزان دیرآموز پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ظرفیت یادگیری، شیوه‌های یاددهی و یادگیری، دانش‌آموزان دیرآموز

مقدمه

به دانش‌آموزی دیرآموز گفته می‌شود که توانایی پیشرفت تحصیلی در مدرسه عادی را دارد ولی کمتر از متوسط سطح پایه تحصیلی خود عمل می‌کند. این کودکان در آزمون‌های هوشی و پیشرفت تحصیلی، نسبت به سایر همسالانشان نمره پایین‌تری کسب می‌کنند اما نمره آن‌ها آن‌قدر پایین نیست که به آموزش ویژه نیاز داشته باشد (۱). زیرا توانایی‌های شناختی آن‌ها آن‌ها را از این کودکان نسبت به همسالانشان کمتر است، به آن‌ها فراگیران

دیرآموز^۲ گفته می‌شود. جالب است که بدانیم در حدود ۱۴ تا ۱۸ درصد دانش‌آموزان در حال تحصیل، دیرآموز هستند (۲ و ۳).

یکی از ویژگی‌های دانش‌آموزان دیرآموز این است که دامنه هوشی آن‌ها گسترده است. به عبارت دیگر، بهره هوشی آن‌ها در زمان‌های متفاوت یا آزماینده‌های هوشی مختلف، بسیار متفاوت و در دامنه ۷۰ تا ۸۵ گزارش می‌شود. این مساله حاکی از عدم تخصص آزماینده و یا ناروا بودن ابزار تشخیصی نیست بلکه بیانگر پویایی زیاد هوش دانش‌آموزان آن‌هاست (۱). این نکته بسیار

2-Slow learner

1- Email: m.ashori@edu.ui.ac.ir

را به ارزیابی از میزان ظرفیت یادگیری^۳ می‌دهد و ظرفیت ذهنی، قابل تغییر و بهبود تلقی می‌گردد (به جدول ۱ مراجعه شود). به تجربه ثابت شده است که با توجه به ارزیابی پویا، ظرفیت هوشی دانش‌آموزان دیرآموز می‌توان تا حدودی قابل افزایش است (۴).

جدول ۱. تفاوت ارزیابی ایستا و پویا

ارزیابی ایستا	ارزیابی پویا
فاصله زیاد بین توان بالقوه و بالفعل	کمترین فاصله بین توان بالقوه و بالفعل
ارزیابی توان ذهنی بالفعل	ارزیابی توان ذهنی بالقوه
ارزیابی نیاموخته‌ها	ارزیابی آموخته‌ها
ارزیابی ناتوانی یادگیری	هدف: دستیابی به ظرفیت هوشی بالقوه کودکان
توجه به نتیجه و محصول	توجه به عملکرد و فرایند
فقط آزمون	پیش‌آزمون، آموزش و بازآزمایی
تغییر ناپذیری ظرفیت هوشی	تغییرپذیری ظرفیت هوشی

ارزیابی پویا محدودیت‌هایی نیز دارد. روش‌های مبتنی بر ارزیابی پویا، تعریف‌های متفاوتی از هوش ارائه می‌دهند و از لحاظ مبانی نظری و روش‌شناختی با یکدیگر تفاوت دارند، علاوه بر این، از آن جایی که ارزیابی پویا در بیشتر موارد به صورت انفرادی صورت می‌گیرد نیاز به زمان زیادی دارد و روش‌های تعیین قابلیت اعتماد و روایی آن دشوار است. در پاسخ به این دشواری‌ها، میزان ارزش دستیابی به بهترین نتیجه حاصل از آزمون‌های هوشی، میزان ارزش و قضاوت درباره توان ذهنی واقعی، جایگاه آموزشی، جایگاه اجتماعی و نگرش به یک انسان مطرح است و این جواب به تخصص و دوراندیشی متخصصان کارآموده در پاسخ به ارزش-هزینه ارزیابی پویا در برابر ارزیابی رایج مربوط می‌گردد. بنابراین، بهتر است مبنای کار بر نحوه و ارزش استفاده از نتایج آزمون و میزان اثر بر سرنوشت آزمودنی بنا شود (۴).

مهمی است که حاکی از اهمیت بسیار زیاد ارزیابی پویا^۱ است. ارزیابی پویا چرخه آموزش، آزمون و آموزش مجدد (در صورت نیاز) را پیگیری می‌کند. معلّمان، ارزیابی پویا را در حین فرایند یادگیری اجرا می‌کنند و نحوه عملکرد دانش‌آموز را با و بدون حمایت، مشخص می‌سازند. منظور این است که نتایج یک آزمون هوشی بیانگر توانمندی‌های بالقوه دانش‌آموزان دیرآموز نیست و تفاوت آشکاری بین توانمندی‌های بالقوه و بالفعل آن‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، نتیجه آزمون نمی‌تواند بیانگر استعدادها و واقعی این افراد باشد. در آزمون‌های رایج هوش به پاسخ یا محصول نمره داده می‌شود و به عملکرد یا فرایند پاسخ‌دهی که در ارزیابی پویا مهم تلقی می‌گردد، توجه نمی‌شود؛ نتیجه با معیارهای حاصل از گروه سنی مقایسه می‌شود و در این روش ثابت یا ایستا فرض بر این است که نمره آزمودنی نمایانگر ظرفیت کامل ذهنی، اطلاعات و مهارت‌های وی است.

ارزیابی رایج هوش به دلیل این که آزماینده هیچ تأثیری بر روند پاسخگویی آزمودنی ندارد، فاقد پویایی لازم است. در این روش، فقط بخش کوچکی از توانمندی‌های ذهنی و شناختی فرد ارزیابی می‌گردد و به رفتار سازشی که یکی از ملاک‌های اساسی برای مرزبندی هوشی است، بی‌توجهی می‌شود. ارزیابی از توان ذهنی کودکان باید پویا و مستمر باشد یعنی علاوه بر توجه به فرایندها، ابتدا یک آزمون مقدماتی به عنوان پیش‌آزمون از کودک به عمل آید، سپس آموزش لازم داده شود و در نهایت، پس از آزمون اجرا گردد تا توان ذهنی واقعی وی مشخص شود. به عبارت دیگر، آموخته‌ها ارزیابی شوند نه این که نیاموخته‌ها ملاک قرار گیرند. هم‌چنان که توان ذهنی دانش‌آموزان دیرآموز کم‌برآورد می‌شود و فاصله زیادی بین توان بالقوه و بالفعل آن‌ها لحاظ می‌گردد با استفاده از ارزیابی پویا بر اساس قاعده آزمون، آموزش و بازآزمایی می‌توان این فاصله را به حداقل رساند. فقط در این صورت، ارزیابی از میزان ناتوانی یادگیری^۲ جای خود

1-Dynamic assessment

2-Learning disability

3-Learning capacity

آن‌ها فعالیت‌های خارج از کلاس درس و غیرتحصیلی را به خوبی انجام می‌دهند و شواهدی از مشکلات پزشکی در آن‌ها وجود ندارد. این دانش‌آموزان قبل از شروع رسمی مدرسه قادر هستند وظایف و کارهای روزمره مفیدی را که مستلزم خواندن، نوشتن و عملیات ریاضی نیست را به خوبی انجام دهند. به هر حال، امروزه بر یادگیری اتفاقی کمتر و بر آمادگی تحصیلی بیشتر تاکید می‌شود. بنابراین، این دانش‌آموزان برای پیشرفت کردن به کمک نیاز دارند تا فرصت‌های مناسبی برای آن‌ها در این دنیای تغییرپذیر فراهم شود.

برای کمک به دانش‌آموزان دیرآموز به منظور انجام تکالیف تحصیلی به دو روش عمل می‌شود: روش اول این است که به آن‌ها برای تکمیل تکالیف تحصیلی زمان بیشتری داده شود و والدین با توجه به آموزش‌های کلاسی، درس‌هایی را که در مدرسه آموزش داده می‌شود را تمرین و تکمیل کنند. روش دوم که روش بهتری است این است که دانش‌آموزان دیرآموز تشویق و برانگیخته شوند. زیرا معمولاً انگیزه پایینی دارند یا بی‌انگیزه هستند. برای این کار، خانواده می‌تواند با او در برنامه‌هایی مانند تکالیف عملکردی و مهارت‌محور یا انجام یک بازی آموزشی مشارکت کند. علاوه بر این می‌توان مهارت‌های تحصیلی و اجتماعی چنین دانش‌آموزانی را با روش‌هایی مانند مدل‌سازی ویدئویی یا خودمدلی ویدئویی تقویت کرد. راهکار دیگر، استفاده از انواع تقویت‌کننده‌ها برای برانگیختن این دانش‌آموزان است. آن‌چه به نظر می‌رسد مهم‌تر باشد مدیریت نحوه تقویت به منظور افزایش انگیزه است. در این راستا ضرورت دارد که به اصول فوریت و تناسب تقویت‌کننده توجه شود. نکته این است که باید به مرور زمان، تقویت‌کننده‌ها تا حدی با تاخیر ارائه شوند که دانش‌آموز صبر و اهمیت انتظار برای پاداش را یاد بگیرد و به مرحله انگیزش درونی مبتنی بر ارزش یادگیری دست یابد. نکته مهم دیگر، وضعیت تغذیه و خواب دانش‌آموزان است. این مساله در دانش‌آموزان عادی به صورت عام و در دانش‌آموزان دیرآموز به طور خاص اهمیت می‌یابد. برای مثال، هر دانش‌آموزی به صبحانه کامل نیاز دارد، اهمیت صبحانه

برخلاف باور رایج، تعداد دانش‌آموزان دیرآموز در کلاس‌های عادی، کم نیست. دانش‌آموزی که دیرآموز نامیده می‌شود نمی‌تواند از طریق منابع آموزشی، کتاب‌ها و مواد یادگیری که برای دانش‌آموزان عادی طراحی شده است در حد متوسطی یاد بگیرد. این دانش‌آموزان به آموزش جبرانی، بازخورد مکرر، آموزش اصلاحی، مواد آموزشی قابل تغییر و انعطاف‌پذیر و وابسته به شرایط، نیاز دارند تا یادگیری حاصل شود. معمولاً دانش‌آموزان دیرآموز در یکی از دو جایگاه‌های آموزشی زیر جایابی می‌شوند:

۱- کلاسی که اکثریت دانش‌آموزان آن در حد متوسط و حدود ۲۰ درصد آن‌ها دیرآموز هستند.

۲- کلاسی که مخصوص دانش‌آموزان دیرآموز طراحی شده است.

اگر در کلاس‌های عادی یا ویژه با دانش‌آموزان دیرآموز مواجه شویم فوری احساس می‌کنیم که آن‌ها در یادگیری با چالش مواجه هستند. بارزترین ویژگی آن‌ها نسبت به سایر همسالانشان، دامنه توجه محدود آنان است. فعال نگه داشتن چنین دانش‌آموزانی و ترغیب آن‌ها به فرایند یادگیری مستلزم تنوع و انعطاف‌پذیری بیشتر در شیوه‌های آموزشی (مستقیم، غیرمستقیم)، شرایط آموزشی (مشارکتی، مقایسه‌ای) و مواد آموزشی (فیلم‌ها، کتاب‌های کار، بازی‌های مشارکتی و محرک‌های آموزشی) است. این تنوع و پراکندگی بخشی از درس شما نیست بلکه حاکی از پراکندگی زیاد در میان این دانش‌آموزان است که در صورت عدم مدیریت صحیح، باعث از هم گسیختگی آموزش می‌شود. سایر ویژگی‌های قابل توجه دانش‌آموزان دیرآموز عبارت‌اند از: ضعف در مهارت‌های اساسی (خواندن، نوشتن و ریاضیات)، دشواری در درک مفاهیم انتزاعی، عدم تمرکز، فعالیت‌های تحصیلی نامنظم و بی‌دقتی.

معلمان در آموزش به دانش‌آموزان دیرآموز با چالش‌های بزرگی مواجه می‌شوند. این دانش‌آموزان با این‌که به راحتی از عهده تکالیف تحصیلی بر نمی‌آیند ولی در طبقه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه هم قرار نمی‌گیرند،

ندارند (۲ و ۳).

دانش‌آموزان دیرآموز نمی‌توانند پا به پای دانش‌آموزان عادی پیشرفت کنند و قادر نیستند همه‌ی چیزهایی را که از دانش‌آموزان عادی انتظار می‌رود یاد بگیرند. در حقیقت، دانش‌آموزان دیرآموز در مدتی که در مدرسه هستند بر محتوای دروس تسلط پیدا نمی‌کنند. دانش‌آموزان دیرآموز نمی‌توانند در حد پیشرفته‌ای به تحصیل پردازند، حتی اگر هرگونه راهنمایی و تسهیلات آموزشی در اختیار آن‌ها قرار گیرد. دانش‌آموزان دیرآموز، حافظه ضعیفی دارند. دامنه توجه‌شان کوتاه است و نمی‌توانند در مدت زمانی طولانی بر یک موضوع تمرکز کنند. «سالیوان» ویژگی‌های دانش‌آموزان دیرآموز را در دوازده مورد خلاصه کرده است که عبارت‌اند از:

۱- دامنه توجه و تمرکز کوتاه

۲- زمان واکنش کند

۳- توانمندی محدود در هدایت خود

۴- توانایی محدود نسبت به مفاهیم انتزاعی و تعمیم آموخته‌ها

۵- کندی در درک ارتباط بین کلمه‌ها و جمله‌ها

۶- شکست در سازماندهی عناصر آشنا برای یادگیری اطلاعات جدید

۷- عادت به یادگیری بسیار آهسته و فراموش کردن بسیار سریع (دیر یادگرفتن و زود فراموش کردن)

۸- توجه بسیار جزئی

۹- ناتوانی در تشخیص و اجرای گام‌های مهارت‌ها یا استانداردها

۱۰- عدم ابتکار و خلاقیت

۱۱- ناتوانی در تحلیل، حل مساله و تفکر انتقادی

۱۲- عدم توانایی استفاده از فرایندهای تفکر سطح بالاتر (۱).

کودکان و نوجوانان دیرآموز، هوش مرزی دارند یعنی بهره هوشی آن‌ها کمتر از ۸۵ و بیشتر از ۷۰ است. با این‌که

در دانش‌آموزان دیرآموز دوچندان است. هر پژوهشی که در این حوزه انجام می‌شود به کیفیت صبحانه و خواب مناسب به عنوان دو روش بهبود عملکرد دانش‌آموزان توجه دارد. باید معلمان و والدین بدانند درس‌ها را به زبان ساده آموزش دهند، به دنبال منابع ساده‌تر از منابع درسی موجود باشند و به یادگیری مطالب کاربردی و مهارت‌محور اهمیت بیشتری بدهند. باید به خاطر داشته باشیم که جایگاه آموزشی این دانش‌آموزان در کلاس‌های آموزش ویژه یا مدارس ویژه نیست ولی ایده‌آل این است که معلمان به هنگام تعامل با آن‌ها در جستجوی نقاط ضعف‌شان باشند و این موارد را تقویت کنند در حالی که به برجسته ساختن نقاط قوت‌شان می‌پردازند. خوب است که بدانیم دانش‌آموزان دیرآموز در همه مدارس و حتی دانشگاه‌ها وجود دارند (۱).

ویژگی‌های دانش‌آموزان دیرآموز

دانش‌آموزان دیرآموز از لحاظ ظاهری با دانش‌آموزان عادی تفاوتی ندارند و مانند دانش‌آموزان عادی در مدارس معمولی یا جایی که به نیازهای دانش‌آموزان عادی توجه می‌شود، پذیرفته می‌شوند. دور از انتظار نیست که دانش‌آموزان دیرآموز در برنامه آموزشی مدارس عادی با مشکلات قابل توجهی مواجه شوند، مگر این که تحت نظارت و راهنمایی ویژه قرار گیرند و جهت‌گیری برنامه درسی آن‌ها به سمت فعالیت‌های کاربردی و واقعی زندگی روزمره باشد. اگر برای دانش‌آموزان دیرآموز شرایطی فراهم گردد تا با گام‌های آهسته‌تری پیشرفت کنند و دروس بر اساس ظرفیت یادگیری‌شان متناسب‌سازی شود، می‌توانند با آسودگی خاطر بیشتری در مدارس عادی ادامه تحصیل دهند و به درجات متوسطی از موفقیت تحصیلی دست یابند (۱).

دانش‌آموزان دیرآموز نمی‌توانند مطالب پیچیده را یاد بگیرند. آن‌ها معمولاً مضطرب هستند، عزت نفس پایین و مهارت‌های توجهمی ضعیفی دارند، در انتقال آموخته‌ها به شرایط عمل یا موقعیت‌های عملی زندگی روزمره مشکل دارند، این دانش‌آموزان در حال حاضر زندگی می‌کنند یعنی آینده‌نگر نیستند و اهداف بلندمدتی

اعتماد به نفس دانش‌آموز می‌شود و ظرفیت یادگیری او را کاهش می‌دهد (۱).

شیوه‌های تدریس برای کمک به دانش‌آموزان دیرآموز

از روش‌های مختلفی برای تدریس به دانش‌آموزان دیرآموز استفاده می‌شود که دوروش مهم آن عبارت‌اند از:

تدریس جبرانی: این روش یک رویکرد آموزشی است که معلم، محتوای درس را قبل از این که ضعف‌ها یا نارسایی‌های اساسی در دانش‌آموز بروز کند، اصلاح یا تغییر می‌دهد. در تدریس جبرانی، محتوای درس به‌طور مجدد سازماندهی می‌شود، از تغییرات و اصلاحات استفاده می‌شود (به عنوان مثال، استفاده از تصاویر به جای عبارات) و بر استفاده از منابع و فعالیت‌های یادگیری تکمیلی تاکید می‌شود (به عنوان مثال، تغییر مکان یادگیری و شبیه‌سازی آموزش، بحث‌های گروهی و یادگیری مشارکتی). این روش شامل تغییر تکنیک‌های آموزشی از جمله استفاده از نشانگرهای دیداری در محتوا از طریق ابزارهای انعطاف‌پذیر آموزشی (فیلم‌ها، تصاویر و توضیحات) یا تغییر شکل در آموزش (آموزش محتوای بر اساس سرعت یادگیری هر فرد، شبیه‌سازی محتوا و کتاب‌های کار تجربه محور) می‌شود.

تدریس اصلاحی: این روش، یک رویکرد جایگزین برای معلم کلاس عادی به منظور آموزش دانش‌آموزان دیرآموز است. تدریس اصلاحی یعنی استفاده از فعالیت‌ها، تکنیک‌ها و شیوه‌هایی برای حذف ضعف‌های رایج دانش‌آموزان دیرآموز از جمله نارسایی در مهارت‌های اساسی ریاضی یا حذف آن‌ها از طریق آموزش مجدد محتوایی که قبلاً یاد نگرفته است. در این روش تدریس، محیط آموزشی تغییر نمی‌کند بلکه از تکنیک‌های آموزشی رایج از جمله تفکر و تمرین استفاده می‌شود (۱).

در برخی کلاس‌ها که تعداد دانش‌آموزان دیرآموز زیاد است از الگوهای موفقیت‌آمیز چندمنظوره برای هم‌تدریسی استفاده می‌شود که شکل‌های مختلفی دارد

عملکرد یادگیرندگان دیرآموز در بخش‌های آموزش عادی ضعیف است یا با شکست مواجه می‌شوند ولی به عنوان واجد شرایط خدمات آموزش ویژه شناسایی نمی‌شوند. تغییر در الگوهای آموزش ویژه از جمله رویکرد پاسخ به مداخله منجر به افزایش دسترسی به حمایت‌های تحصیلی می‌شود. ضرورت دارد که از این رویکرد برای جبران ضعف تحصیلی دانش‌آموزان دیرآموز استفاده شود (۵).

شناسایی دانش‌آموزان دیرآموز در کلاس درس

ضرورت دارد که دانش‌آموزان دیرآموز به‌طور زودهنگام و در سنین ۲ تا ۶ سالگی شناسایی شوند. معلمان و والدین می‌توانند کودک دیرآموز را از طریق مشاهده دقیق شناسایی کنند. آن‌ها به سادگی می‌توانند برخی از نشانه‌های دیرآموزی را تشخیص دهند. این نشانه‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- نارسایی در گفتار
- ۲- مشکل در تحول زبان (جملات از هم‌گسیخته)
- ۳- خزانه لغات محدود
- ۴- توانایی‌های کلامی ضعیف
- ۵- رفتار نامناسب یا نامتناسب با سن
- ۶- استفاده از جمله‌های کوتاه و دستور و زبان نادرست
- ۷- اشتباه در هجی کردن
- ۸- ضعف تعامل با سایر کودکان
- ۹- صحبت نامربوط در حین تدریس معلم
- ۱۰- مشکل در خواندن
- ۱۱- علائق محدود
- ۱۲- کندی در پاسخ دادن یا تصمیم‌گیری

اگر دانش‌آموزی با توجه به نشانه‌های فوق، دیرآموز شناسایی شد، باید مورد ارزیابی قرار گیرد تا نقاط ضعف وی مشخص گردد و راهبردهایی مناسب به منظور غلبه بر ضعف‌هایش طراحی و اجرا شود. خوب است که بدانیم، تاکید بر ناتوانی‌ها و ضعف‌ها سبب کاهش عزت نفس و

هم‌چنین، معلّم گروه کوچک در آموزش از راهبردهایی مانند خودنظارتی استفاده می‌کند.

۵- تدریس گروهی: معلّمان در تدریس گروهی

به صورت متناوب یا هم‌زمان به کل کلاس آموزش می‌دهند. در این الگو، هر دو معلّم می‌توانند مراقب تصوّر غلط، سردرگمی، بی‌توجهی و حواس‌پرتی دانش‌آموزان باشند. علاوه بر این، هر دو معلّم هم‌تدریس می‌توانند به‌طور هماهنگ در ارائه محتوا و راهبردهای یادگیری به لحاظ رفع نیازهای همه دانش‌آموزان همکاری داشته باشند.

در همه الگوها معلّمان هم‌تدریس درباره آموزش‌هایی که واضح هستند و به شکل مطلوبی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود، بحث می‌کنند و ارزیابی بهتری انجام می‌دهند. هم‌چنین، معلّمان هم‌تدریس می‌توانند برای پیش‌بینی بهتر نقاط ضعف این دانش‌آموزان به ویژه در طول زمان‌های انتقال، در امور روزمره یا تکلیف‌های پیچیده همکاری داشته باشند. الگوهای متفاوت هم‌تدریس برای معلّمان این انعطاف‌پذیری را فراهم می‌کند تا نحوه ارائه آموزش و هدف‌های معلّمان و نیازهای دانش‌آموزان دیرآموز با هم سازگار شوند. متأسفانه معلّمان هم‌تدریس به استفاده از یک الگو و برون‌گذاری سایر الگوها عادت می‌کنند. یعنی یک معلّم مشارکت‌فحالی در آموزش یا برنامه‌ریزی ندارد. این عدم مشارکت به بی‌علاقگی معلّم و بی‌توجهی دانش‌آموز منجر می‌شود. الگوهای هم‌تدریسی متناسب با نیازهای آموزشی توسعه می‌یابند. باید هر دو معلّم به نحوی متناسب با تخصص خود در آموزش مشارکت داشته باشند (۷ و ۸).

۳۰ راهکار برای بهبود ظرفیت یادگیری دانش‌آموزان دیرآموز

راهکارهای زیادی برای بهبود ظرفیت یادگیری دانش‌آموزان دیرآموز وجود دارد، در ادامه به ۳۰ راهکار اصلی اشاره شده است:

- ۱- تشویق حتی برای پیشرفت اندک
- ۲- مشخص کردن هدف و تعیین جدول زمانی برای

(۶). در ادامه، پنج الگوی اساسی هم‌تدریسی توضیح داده شده است که فرصت‌هایی را برای معلّمان هم‌تدریس و دانش‌آموزان دیرآموز فراهم می‌کند. از این روش‌ها می‌توان در کلاس‌های عادی، ویژه و فراگیر استفاده کرد:

۱- تدریس، نظارت: در این الگو، یک معلّم

مسئول آموزش و معلّم دیگر مسئول نظارت است. این الگو به معلّم ناظر اجازه می‌دهد تا دانش‌آموزان بی‌اراده و تکلیف‌گریز را مشاهده کند، فرم‌های نظارت بر دانش‌آموز را علامت‌گذاری نماید، به توجّه فردی دانش‌آموز بازخورد بدهد تا در فعالیت‌ها مشارکت کنند و تقویت‌کننده‌ها یا پیامدها را بر اساس فراوانی ارائه دهد.

۲- تدریس ایستگاهی: معلّمان در این الگو، محتوا را

به دو بخش و دانش‌آموزان را به سه گروه تقسیم می‌کنند. هر معلّم یکی از دو بخش تدریس را در ایستگاهی به یک گروه کوچک از دانش‌آموزان تدریس می‌نماید و گروه سوم به‌طور مستقل کار می‌کند. گروه‌های دانش‌آموزی بین ایستگاه‌ها چرخش دارند. معلّمان می‌توانند برای جلب توجه و یادگیری بهتر دانش‌آموزان، محتوا را به واحدهای کوچک‌تری خرد کنند. هر معلّم می‌تواند با گروه کوچکی از دانش‌آموزان کار کند و از توجّه آن‌ها به درس و یادگیری‌شان اطمینان یابد. این الگو به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا آسان‌تر با هم کار کنند و تقویت‌کننده‌ها و پیامدهای بیشتری را فراهم می‌نماید.

۳- تدریس موازی: دو معلّم در تدریس موازی،

کلاس را به دو گروه تقسیم می‌کنند و محتوای مشابهی را به گروه کوچک‌تری از دانش‌آموزان تدریس می‌نمایند. این الگو، فرصت‌های یکسانی را مانند تدریس ایستگاهی فراهم می‌کند و اصلاح نحوه آموزش با محتوای یکسان را برای تحقّق نیازهای دانش‌آموز امکان‌پذیر می‌سازد.

۴- تدریس جایگزین: در این الگو، یک معلّم

آموزش محتوا در گروه بزرگی از دانش‌آموزان و معلّم دیگر آموزش جبرانی یا تکمیلی در گروه کوچک را بر عهده دارد. معلّم گروه کوچک می‌تواند نحوه ارائه محتوا را اصلاح کند، نحوه ارائه پیامدها یا پاداش‌ها را کنترل نماید و نظارت و مشاهده نزدیکی بر دانش‌آموزان داشته باشد.

- ۲۷- پیل زدن به آموخته‌های دانش‌آموزان از طریق آزمون‌های مداوم
- ۲۸- عدم جداسازی دانش‌آموزان
- ۲۹- با محبت رفتار کردن
- ۳۰- تقویت کنجکاوی دانش‌آموزان (۱).

دستیابی به آن‌ها

- ۳- ارائه نکات مفید و اساسی برای به حافظه سپردن مطالب
- ۴- اهمیت دادن به کلاس و دانش‌آموزان
- ۵- استفاده از شیوه خواندن برای خود
- ۶- سوال کردن تمرینی از خود
- ۷- راهنمایی ویژه برای خارج از مدرسه
- ۸- مکان نشستن دانش‌آموزان در کلاس
- ۹- آموزش برای مهارت‌های شنیدن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن
- ۱۰- پیگیری مشکلات جسمی یا ذهنی احتمالی دانش‌آموزان
- ۱۱- ایجاد اعتماد نسبت به حوزه‌های مورد علاقه
- ۱۲- تحلیل روان‌شناختی و حل مشکلات
- ۱۳- راهنمایی کردن و هدایت دانش‌آموزان
- ۱۴- رفتار دوستانه با دانش‌آموزان
- ۱۵- استفاده از تکالیف کاربردی و مهارت‌محور جایگزین و متنوع به جای تکالیف سنتی
- ۱۶- جلسه‌های آموزشی فشرده
- ۱۷- تهیه کتاب‌های ضروری
- ۱۸- استفاده از تکنیک‌های خواندن
- ۱۹- وسایل کمکی دیداری-شنیداری
- ۲۰- ارتباط با والدین
- ۲۱- انتظارات به جا و مناسب
- ۲۲- تحلیل عملکرد دانش‌آموزان
- ۲۳- هدایت بحث‌های گروهی
- ۲۴- برنامه درسی مناسب
- ۲۵- ایجاد محیط امن
- ۲۶- فراموش نکردن اصول آموزش و آموزش اصولی

بحث و نتیجه‌گیری

یادگیری فرایندی پیچیده ولی ضروری است که هر فردی در گستره عمر، یعنی از لحظه تولد تا واپسین دم حیات آن را پیگیری می‌کند (۷). مشکل این است که همه کودکان نمی‌توانند خود را با سبک‌های یادگیری انعطاف‌ناپذیر سازگار کنند. برخی کودکان نمی‌توانند فقط با رویکردهای انعطاف‌ناپذیر و دارای سرعت بالا که با تدریس سنتی مشخص می‌شوند، کنار بیایند. به همین دلیل، فاصله زیادی بین توانایی بالقوه و سطح عملکرد یا توانایی بالفعل این کودکان ایجاد می‌شود که از آن‌ها به عنوان دیرآموز یاد می‌شود (۱). معلمان می‌توانند از طریق شیوه‌های تدریس توسعه‌یافته و چندمنظوره، فرصت‌های حمایتی بیشتری را برای دانش‌آموزان با سبک‌های یادگیری متفاوت فراهم کنند تا ظرفیت یادگیری را بهبود بخشند (۸). برخی متخصصان پیشنهاد کرده‌اند که باید معلمان، سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان و شیوه‌های تدریس را بشناسند و سپس روش‌های تدریس متفاوتی را بر اساس ترجیحات یادگیری یادگیرندگان به کار بندند.

با این که بیشتر متخصصان حوزه آموزش و پرورش اعتقاد دارند که هم‌تاسازی سبک یادگیری دانش‌آموز با شیوه تدریس معلم سبب افزایش یادگیری، تسلط بیشتر بر درس، کسب نمره بالاتر در آزمون‌های پایانی، ارتقاء پایه کلاسی و پیشرفت تحصیلی بیشتر می‌شود ولی برخی متخصصان این امر را تأیید نمی‌کنند. بنابراین در زمینه شناسایی سبک‌های یادگیری، شیوه‌های تدریس، هم‌تاسازی این دو و موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان به پژوهش‌های بیشتری نیاز است. در این مقاله به تفاوت ارزیابی ایستا و پویا، ویژگی‌های دانش‌آموزان دیرآموز،

References

1. Dasaradhi K, Sri Raja Rajeswari Ch, Badarinath PVS, Greguson LA, Olinger ES. 30 methods to improve learning capability in slow learners. *International Journal of English Language, Literature and Humanities*. 570-556 :(2)4;2016.
2. Suranjana R, Ujjani R, Manas Kanti R. Peer tutoring as a remedial measure for slow learners in a medical school. *Journal of Krishna Institute of Medical Sciences University*. 134-130 :(1)4;2015.
3. Malik S. Effect of intervention training on mental abilities of slow learners. *Int J EducSci*. 64-61 :1;2009.
4. Afrooz GHA, Ashori M. *Psychology and rehabilitation of slow paced children and adults*, Tehran University Publications, 2016. [Persian].
5. Shaw SR. Rescuing students from the slow learner trap. *Principal Leadership*. 16-12 ;2010.
6. Kirk S, Gallagher G, Coleman MR. *Educating Exceptional Children (14th Ed)*. Engage Learning, Printed in the United States of America, 2015.
7. Ashori M, Jalil-Abkenr SS. *Students with special needs and inclusive education (1th Ed)*. Publication of Roshd Farhang, 2016. [Persian].
8. Hallahan DP, Kauffman JM, Pullen PC. *Exceptional learners: an introduction to special education (13th Ed)*. Published by Pearson Education, Inc, 2015.

شناسایی دانش آموزان دیرآموز در کلاس درس، شیوه‌های تدریس برای کمک به دانش آموزان دیرآموز، الگوهای موفقیت آمیز چندمنظوره برای هم تدریسی در کلاس درس و ۳۰ راهکار برای بهبود ظرفیت یادگیری دانش آموزان دیرآموز پرداخته شد که شایسته است هر معلم، مربی، سخنران، استاد یا تسهیل‌گر آموزشی از آن‌ها آگاهی یابد. این روش‌ها نه تنها ظرفیت یادگیری یادگیرندگان دیرآموز را بهبود می‌بخشند بلکه موفقیت تحصیلی‌شان را نسبت به سایر همکلاسی‌ها و همسالان تضمین می‌کند و یادگیری یادگیرندگان عادی را دوچندان می‌سازد.